

پاسخ به یک سؤال پرتکرار؛ چرا باید تقلید کنیم؟

چرا باید تقلید کنیم، مگر خودمان عقل نداریم؟!

یکی از شبهات رایج و پرتکرار در جامعه که به‌ویژه از طرف نسل جوان و تحصیل‌کرده مطرح می‌شود این است که چرا باید تقلید کنیم؟ مگر خودمان عقل و شعور نداریم؟ آیا تقلید کردن از اشخاص دیگر مانع رشد و بلوغ فکری نیست؟ چرا باید برده فکری دیگران باشیم و چرا باید تقلید کنیم؟ جالب است که این شبهه در اکثریت قریب به اتفاق مواقع، در حوزه مسائل دینی و انسانی مطرح می‌شود، نه در حوزه شئون جمادی، گیاهی، حیوانی و عقلی. مثلاً هیچ‌کس شخصی را که برای درمان بیماری‌اش به پزشک مراجعه کرده و دستورات درمانی او را اجرا می‌کند، به بی‌عقلی متهم نمی‌کند، یا کسی که طراحی و ساخت خانه‌اش را به مهندس معمار بسپارد، نادان شمرده نمی‌شود؛ بلکه اتفاقاً رجوع نکردن به اهل فن است، که نزد همه انسان‌ها کاری احمقانه شمرده شده و مورد مؤاخذه قرار می‌گیرد. با این حال، نوبت به مسائل فوق‌عقلانی و انسانی که می‌رسد خیلی از ما خودمان را در این حوزه عالم و متخصص می‌دانیم و برای‌مان سؤال است که چرا باید تقلید کنیم و این کار چه ضرورتی دارد؟

البته این سؤال در ظاهر پیرامون تقلید از فقها و مراجع تقلید مطرح می‌شود، اما در اصل به عدم درک ما از خود دین و فلسفه وجود امام معصوم برمی‌گردد. چون فقها در زمان غیبت نماینده و جانشین امام محسوب می‌شوند. تردیدهای ما در لزوم تبعیت از فقها نشان می‌دهد، که با این که لزوم پیروی از متخصص را به‌عنوان یک اصل عقلی و فطری پذیرفته‌ایم و در همه جوانب زندگی به آن عمل می‌کنیم، اما اهمیت این موضوع در حوزه مسائل فوق‌عقلانی و انسانی هنوز برای‌مان جا نیفتاده است.

اما چرا این‌طور است؟ چرا بعضی از ما لزوم رجوع به متخصص در حوزه مسائل انسانی و الهی را احساس نمی‌کنیم؟ قطعاً باید ریشه این اتفاق را در **عدم خودشناسی** جستجو کرد.

## ضعف خودشناسی ریشه تمام شک و تردیدها

لزوم تقلید جاهل از عالم و غیرمتخصص از متخصص امری بدیهی و روشن است، که عقل و فطرت هر دو آن را تأیید می‌کنند. همه ما به‌طور طبیعی و فطری وقتی به اموری نیاز پیدا می‌کنیم که تخصصی در آن‌ها نداریم، یا احتمال می‌دهیم که خرابکاری کنیم، به متخصص آن امر مراجعه می‌کنیم، به همین دلیل هم صدها حرفه و تخصص در جامعه به وجود آمده. خیاط اتومبیلش را برای تعمیر به مکانیک می‌سپارد و مکانیک برای دوخت لباس، سراغ خیاط می‌رود. پزشک طراحی خانه‌اش را به مهندس می‌سپارد و مهندس برای درمان بیماری‌اش به پزشک مراجعه می‌کند. قهرمان فلان رشته ورزشی فرزندش را برای علم‌آموزی نزد معلم می‌فرستد و معلم نیز فرزندش را برای تقویت قوای بدنی در باشگاه ورزشی ثبت‌نام می‌کند، هیچ‌کدام هم نمی‌پرسند چرا باید تقلید کنیم و این کار را توهین به خود قلمداد نمی‌کنند؛ چون رجوع به متخصص و تبعیت از دستورات او یک امر فطری و عقلانی است و همه مردم دنیا از هر نژاد و قومی و با هر طرز فکر و مرامی، اصل اصالت تخصص و تقلید جاهل از عالم را می‌پذیرند، چون از فواید این کار آگاهند و ضررهای سرپیچی از این اصل را با چشم می‌بینند. پس اگر ضرورت این موضوع در حوزه مسائل انسانی احساس نمی‌شود، دلیلش این است که ما بخش اصلی وجودمان را جدی نگرفته‌ایم، یا شاید اطلاعاتی درباره‌اش نداریم. خوب است یک‌بار دیگر برگردیم و ساختار وجودی و مراحل حیات‌مان را مرور کنیم، تا روشن شود که ما به‌عنوان یک انسان، نه جماد، گیاه، حیوان و فرشته، به راهنمایی متخصص معصوم نیاز داریم یا نداریم.

## ما که هستیم و چرا به تقلید نیاز داریم؟

ما انسان‌ها هرچند در بُعد طبیعی و دنیایی مان دارای ابعاد جمادی، گیاهی، حیوانی و عقلانی هستیم، ولی حقیقت وجود ما و کمالات ویژه‌ای که ما را مظهر خداوند و خلیفه او کرده، نه از سنخ کمالات جمادی از قبیل رنگ و حجم و وزن و... است، نه از سنخ کمالات گیاهی شامل رشد، تغذیه، قدرت بدنی و...، نه از سنخ کمالات حیوانی مثل تشکیل خانواده، مسکن‌گزینی،

تفریح، کار و... و نه حتی از سنخ کمالات فرشته‌ای و عقلی مانند مطالعه و علم‌آموزی؛ حقیقت وجود ما یک حقیقت فوق طبیعی و غیردنیایی است، که از عوالم فوق طبیعت به بدن مان تعلق گرفته است و ما پس از اقامت موقت در زمین به سوی اصل و حقیقت وجود خود برمی‌گردیم.

مراحل حیات ما به سه مرحله تقسیم می‌شود: (1) مرحله قبل از دنیا (2) مرحله دنیا (3) مرحله بعد از دنیا.

در مرحله قبل از دنیا ما در قالب یک روح یک‌پارچه و بی‌نهایت نزد خداوند و در منتهای سعادت و خوشبختی بودیم، اما با نزول به دنیا و هبوط در کالبد بدن با سیل عظیمی از محدودیت‌ها و نقص‌های عالم ماده مواجه شدیم و این برای روح بی‌نهایت‌طلب و کمال‌گرای ما که قبلاً تمام لذت‌ها را تجربه کرده، یعنی قفس! یعنی زندان! ما هیچ‌گاه نمی‌توانیم با محدودیت‌ها و ضعف‌های عالم ماده کنار بیائیم، چون حقیقت ما از جنس ماده نیست. به همین دلیل در مدت اقامت‌مان در زمین دائماً تلاش می‌کنیم این محدودیت‌ها را از خود برانیم و به همان آزادی و خوشبختی اولیه برگردیم.

مسئله اصلی این است، که انتخاب مسیر خوشبختی این بار کاملاً به میل و اراده خودمان بستگی دارد، چون خداوند ما را مختار آفریده؛ به عبارتی، همه ما خواه ناخواه قوس صعود و مسیر بازگشت به سوی خدا را طی می‌کنیم، ولی همه مجدداً به همان خوشبختی و جایگاه اولیه بر نمی‌گردیم. تنها کسانی این مسیر را به سلامت طی می‌کنند، که با اختیار خودشان راه درست را انتخاب کنند، اما چگونه؟ چه کسی می‌تواند راه درست را به ما نشان دهد؟ طبیعتاً کسی که ساختار وجود ما و مراحل حیات‌مان را کاملاً بشناسد و از هفت دسته اطلاعات تخصصی، یعنی شناخت جسم، شناخت روح، شناخت رابطه جسم و روح و تأثیر متقابل آن‌ها بر یکدیگر، شناخت عالم طبیعت، شناخت رابطه طبیعت با روح و جسم ما، شناخت مبدأ حیات (قبل از دنیا) و شناخت مقصد حیات (بعد از دنیا) که در مقالات قبلی معرفی کردیم، آگاه باشد.

اگر مجموعه دانش بشری را در این هفت دسته اطلاعات تخصصی ملاحظه کنیم، خواهیم دید که بشر با همه پیشرفت‌هایش در علوم مختلف حتی به شناخت عالم طبیعت هم به‌طور کامل دست پیدا نکرده، چه رسد به سایر حوزه‌ها. به علاوه، بعضی از این حوزه‌ها مثل شناخت مبدأ و مقصد حیات به‌علت فرامادی بودن، به‌طور کلی برای بشر قابل شناخت نیستند. پس چه کسی

باید این علوم را در اختیار ما قرار دهد؟ با مرور این اطلاعات و آگاهی از چرخه حیات‌مان، اکنون شاید بهتر بتوانیم ضرورت تبعیت از متخصص معصوم و عمل به برنامه تخصصی دین را متوجه شویم و این سؤال که چرا باید تقلید کنیم، ارزش و اعتبارش را در نظر ما از دست بدهد. هیچ‌یک از ما به تنهایی و بدون راهنمایی متخصصانی که مستقیماً از جانب خداوند به سمت رهبری ما مبعوث شده‌اند، قادر به طی کردن مسیر کمال و رسیدن به خوشبختی و کامیابی ابدی نیستیم و همین موضوع ضرورت تقلید و تبعیت ما از معصومین (علیهم‌السلام) و نمایندگان آن‌ها در زمان غیبت را به اثبات می‌رساند.

در این درس یک‌بار دیگر دانسته‌هایمان درباره چرخه حیات انسان و نیاز او به راهنما را در بُعد انسانی مرور کردیم و دانستیم، که چرا باید تقلید کنیم و این کار چه نقشی در تأمین سعادت دنیوی و ابدی ما دارد. امیدواریم که این دانسته‌ها در نهایت به عمل منجر شود و ما را به هدفی که برایش پا به این جهان گذاشتیم، برساند.